

روش‌شناسی عملیات روانی قرآن کریم در رویارویی با یهود*

□ بی‌بی‌زینب حسینی^۱

چکیده

بسیاری از آیات قرآن کریم درباره یهودیان است. یهودیان همواره ارتباط خصمانه‌ای با مسلمانان داشته‌اند. به گواهی برخی آیات، این ارتباط خصمانه منحصر در آن زمان نیست و همچنان ادامه دارد.

آنچه قرآن برای رویارویی با یهود معاصر پیامبر ﷺ بیان می‌کند، بر گرایش‌ها و تدریج‌های یهود معاصر مانند صهیونیست‌ها یا هر ملتی که دارای ویژگی‌های نکوهیده، ستمگری، خودبرتربینی و... باشند نیز تطبیق‌پذیر است. قرآن کریم با این دشمن ویژه به شکلی خاص مقابله می‌کند که با روش «عملیات روانی» در جهان معاصر شباهت‌ها و البته تفاوت‌هایی دارد. نوشته حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که آیا می‌توان روش قرآن را در این رویارویی به دست آورد.

قرآن کریم با استفاده از ابزار زبان و بیان در تأثیرگذاری بر مخاطب یهود، از برخی روش‌ها که شبیه تاکتیک‌های عملیات روانی است، مانند تاکتیک

روشنگری، استمرار و تواتر، رعب، شیفتگی و... بهره برده است. همچنین گاه می‌توان روش بیان قرآنی را در قالب عملیات روانی علنی یا سرّی مشاهده نمود.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، عملیات روانی، تهدید، یهود، تاکتیک.

مقدمه

در سال‌های گذشته کتاب‌های متعددی در اثبات وجود عملیات روانی در قرآن کریم به ویژه در مصر و سوریه با عنوان *الحرب النفسية في القرآن الكريم* نگاشته شده است. این مسئله به خاطر وجود آیاتی است که مخاطب درمی‌یابد در پی نوعی خاص از تأثیرگذاری از طریق تشویق یا تهدید است. در این پژوهش عملیات روانی قرآن کریم در مواجهه با یهود بررسی می‌شود. قرآن کریم در رویارویی با یهود روشی خاص دارد که به نظر می‌رسد از برخی ابزارها برای تأثیرگذاری غیر مستقیم بهره می‌برد. یکی از آن‌ها، سخن گفتن دربارهٔ مسائل شناخته‌شده در نزد یهود است؛ مثلاً عهد و پیمان الهی که پیوسته ایشان را به خاطر نادیده گرفتن آن سرزنش می‌کند یا به وفای به عهد توصیه می‌کند (صالح، ۱۴۱۳: ۵۱)، ولی به صورت روشن نمی‌گوید که این عهد چیست؟ گویا آن کس که باید منظور را بفهمد، فهمیده است، مانند: ﴿أَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّائِي فَآزْهَبُونَ﴾ (بقره/ ۴۰)؛ به پیمانم وفا کنید تا به پیمانتان وفا کنم.

علت شباهت سیاق تهدید، تخویف و تأثیرگذاری در قرآن کریم با عملیات روانی این است که معمولاً مهم‌ترین ابزار در این فرایند سخن و گفتمان است (نصر، ۱۳۸۱: ۲۹۴). از عملیات روانی تعاریف مختلفی ارائه شده است. ولی از میان آن‌ها آنچه ملاک تعریف عملیات روانی در این پژوهش است، تعریف صلاح نصر است که می‌گوید عملیات روانی همان جنگ زبان و عقیده است؛ خواه به صورت مخفی باشد یا آشکار؛ شفاهی باشد یا کتبی و اساساً سلاحی است که به انسان و عقل او توجه دارد و هر گاه امکان برقراری ارتباط عاطفی با مخاطب را داشته باشد می‌تواند به اعماق وجودش نفوذ کند. عملیات روانی عبارت است از فعالیت‌های روانی و اعمال سیاسی، نظامی، اقتصادی، عقیدتی که به منظور ایجاد زمینه مساعد در احساسات، حالات و رفتارهای گروه‌های مورد هدف به منظور نیل به اهداف ملّی طراحی و اجرا می‌گردد (همان: ۵۷). بنابراین عملیات روانی مفهومی عام است که به هر گونه اقدام نرم، روانی و

تبلیغات رسانه‌ای گفته می‌شود که جامعه هدف را نشانه گرفته است.

قرآن کریم، راهکارهای مختلفی را برای مقابله با عملیات روانی دشمن ارائه می‌کند. این راه‌ها عبارت‌اند: از ایمان و اعتقاد به خداوند، ولایت‌مداری، پیروی از رهبری، دعا و نیایش، مقابله به وسیله علامت‌ها، دشمن‌شناسی، اعتقاد قلبی به امدادهای الهی (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۸)، استدلال و روشنگری، سکوت، تکذیب مستقیم، پیش‌دستی، کوچک شمردن حریف و... (جنیدی، ۱۳۸۹: ۳۲۷).

پیش‌فرض‌ها

وجود عملیات روانی در قرآن کریم، مبتنی بر برخی پیش‌فرض‌هاست که در ادامه بیان می‌شود.

۱. رویارویی قرآن در عملیات روانی تقابل با شخص یا گروه نیست بلکه قرآن با نوعی طرز تفکر یا کردار مخالفت دارد و این می‌تواند مصادیق گوناگونی داشته باشد و حتی مسلمانان را نیز شامل شود.

۲. یهود معاصر نیز به خاطر ویژگی‌های فکری و کردار مشابه با یهودیان معاصر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌توانند مصداق یهودیانی باشند که مخاطب قرآن کریم هستند.

۳. می‌توان اصطلاح عملیات روانی را درباره روش خاص بیان مؤثر بر یهود در قرآن کریم به کار برد. این عملیات همسو با مبانی اخلاق اسلامی است، بنابراین باید در برخی موارد با آنچه امروزه عملیات روانی نامیده می‌شود که مبتنی بر اندیشه غیر اسلامی است، تفاوت‌هایی داشته باشد.

زمینه‌های عملیات روانی در قرآن کریم

بر اساس اصول و مبانی عملیات روانی، نخستین اصل وجود دشمن یا اصرار بر وجود یک دشمن فرضی است؛ زیرا تنها در این صورت است که می‌توان با چنین دشمنی تقابل داشت و نیروهای داخلی را برای تقابل با آن متحد کرد یا موجودیت و استقلال یک مرزبندی را حفظ نمود. زمانی که دشمن خارجی و حقیقی وجود نداشته باشد، با استفاده از ابزارهای اطلاعاتی و اتهامات و شایعات تلاش می‌شود دشمنی فرضی به

وجود آید.

آن که قرآن کریم را مطالعه نماید، آن را کتابی پیام آور صلح، دوستی، امنیت و انسان دوستی می بیند که اساساً از جنگ و دشمنی بیزار و روی گردان است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً» (بقره/ ۲۰۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، همگی در صلح درآید.

ولی با برخی نیز سر دشمنی دارد و به هیچ روی سر سازگاری ندارد، یعنی اساساً فضای رویارویی با عده ای به اصطلاح کافر، فاسق، شیطان و... وجود دارد. کلمه «عداوت» و «عدو» بارها در قرآن کریم آمده است. همچنین برخی آیات قرآن کریم، آن را ابزاری در جهت تأثیرگذاری در این عرصه معرفی می کند:

– «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ التَّوَارِثِ وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ * لَأَتَمِّدَنَّكَ غَيِّبَتِكَ إِلَى مَا نَمْتَعْنَاهُ بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ» (حجر/ ۸۷-۸۸)؛ و به یقین هفت آیة از سوره حمد با نزول دوباره، و قرآن بزرگ را به تو دادیم. هرگز چشمانت را خیره مکن به آنچه که گروه‌هایی از کافران را بدان بهره‌مند ساختیم.

– «وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (اسراء/ ۸۲)؛ از قرآن، آنچه را که آن درمان و رحمتی برای مؤمنان است، فرو می فرستیم.

از واکنش کفار در آن زمان روشن می شود که قرآن کریم از ابتدا ابزاری جهت تأثیرگذاری بر عقاید و احساسات مسلمانان و دشمنان به شمار می آمده است، بنابراین کافران یکدیگر را از گوش کردن به آن نهی می کردند:

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا هَذَا الْقُرْآنَ» (فصلت/ ۲)؛ و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: به این قرآن گوش فرادهید.

به گواهی آیات متعدد قرآن، کفار و اهل کتاب همواره درباره اسلام دشمنی می ورزند و این مسئله ادامه دارد (خالدی، ۱۴۱۹: ۳۶۷)؛ مانند:

«وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَد بَدَتْ الْبُغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تَحْتِي ضُورُهُمْ أَكْبَرُ» (آل عمران/ ۱۱۸)؛ زحمت شما را آرزو دارند. به یقین [نشانه‌های] دشمنی از دهان [و سخنان]شان آشکار شده و آنچه سینه‌هایشان نهان می دارد، بزرگ‌تر است.

افزون بر این، دشمنان اسلام شاخص‌ها و ملاک‌هایی برای دشمنی‌شان دارند که

ریشه‌های روشن و حقیقی دارد و آنان، دشمنان فرضی برای افزایش اتحاد و نیروی درونی جامعه اسلامی نیستند. ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ﴾ (مائده / ۸۲)؛ مسلماً یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده‌اند، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت. علت دشمنی خداوند و اسلام با عده‌ای از مردم آن زمان مربوط به شرایط زمانی نیست تا با گذشت زمان رنگ ببازد، بلکه دشمنی اسلام با یهود یا مشرکان به خاطر برخی مسائل اساسی مانند ظلم، خودبزرگ‌بینی، فساد و... است. ﴿وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى﴾ (بقره / ۱۱۱)؛ و گفتند: جز کسی که یهودی یا مسیحی است، داخل بهشت نخواهد شد. بنابراین هر کس که ظالم یا خودبزرگ‌بین باشد، در گستره این دشمنی قرار می‌گیرد و قرآن خود را پیامی برای همه مردم معرفی می‌کند: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ﴾ (سبأ / ۲۸)؛ و تو را جز برای همه مردم نفرستادیم.

باید توجه کرد که علت دشمنی خداوند با شیطان و برخی از یهود یا اهل کتاب و مشرکان به خاطر برخی ویژگی‌های برجسته و مهم آنهاست، مانند خودبزرگ‌بینی، انحصارطلبی، ظلم و...، نه به خاطر نام یهودی. به همین دلیل خداوند در بیانی صریح، عده‌ای را که از این ویژگی‌ها میرا هستند از زمره دشمنانش خارج می‌کند. در این صورت چگونه می‌توان مانند برخی از نویسندگان مصری معاصر همه اقوام یهود را دشمنان خداوند معرفی نمود (ادریس، ۱۹۹۳: ۵۵)؛ زیرا خود می‌فرماید: ﴿مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِلَةٌ﴾ (مائده / ۶۶)؛ گروهی از آنان معتدل هستند.

همچنین از مسلمانان می‌خواهد مانند اهل کتابی که در قرآن کریم دشمن خداوند هستند، نباشند (ر.ک: بقره / ۴۱؛ آل عمران / ۱۰۵؛ انفال / ۲۱؛ نحل / ۹۲؛ شعراء / ۱۸۱؛ روم / ۳۱؛ حشر / ۱۹). آیات مختلفی از سوره بقره، یهود را به خاطر خودبزرگ‌بینی سرزنش می‌کنند (برای نمونه ر.ک: بقره / ۱۳۵ و ۱۷۷). خداوند در این آیه، ملاک برتری یک قوم را وجود قبله در مکه یا بیت‌المقدس نمی‌داند، بلکه ایمان به خدا و تقوا را ملاک برتری در نزد خود معرفی می‌کند و تنها نام یهودی یا مشرک نفی نمی‌شود، بلکه روح سرکشی و طغیان نفی می‌گردد. این مسئله‌ای است که توجه به آن لازم است و نباید مسلمان در لوای مبارزه با یهود یا مشرکان، دچار این صفات نکوهیده گردد.

بنابراین عملیات روانی قرآن کریم در رویارویی با روش اندیشه یا کرداری است که

بیش از همه در قوم یهود آن زمان جلوه گر بوده است، چه بسا در برخی زمان‌ها این شکل تغییر یابد یا مسلمانان خود دچار این رفتار و کردار گردند. در سال‌های اخیر، آثار متعددی در رویارویی با یهود، به ویژه در مصر به زبان عربی نوشته شده است. جستجویی ساده در پایگاه‌های اینترنتی می‌تواند این مسئله را به خوبی نشان دهد. در این آثار، مسلمانان یهود و اهل کتاب را به صفات نکوهیدهٔ مختلفی مانند فساد در زمین، تکبر، قتل، خیانت، نفاق، سوء ادب، سنگدلی و... منسوب نموده‌اند، حال آنکه اگر آن‌ها منصفانه و به دور از غرض‌ورزی در ویژگی‌های خود دقت نمایند، بسیاری از این صفات را نیز با قوت یا ضعف در خود خواهند دید و این ویژگی‌ها یا حداقل بسیاری از آن‌ها منحصر به یهود نیست.

اسلام با این اندیشه مخالف است که فردی انگشت اشاره به سوی گروهی از مردم بگیرد و آنان را ضد بشر و دشمن خداوند بخواند در حالی که خود از این عیب و خصلت مبرا نیست. این رویه، کاری بس خطا و گام نهادن در راهی است که سرانجامی ندارد؛ چون تدبیر نکردن در قرآن و درک سطحی از آیات موجب می‌شود که به جای رفع این عیوب از دامن یک مسلمان، فقط خوی جنگ‌طلبی در انسان بیدار گردد. بنابراین تفرقه همچنان در بین مسلمانان به چشم می‌خورد و هر گروه، دیگری را متهم می‌کند و اندیشهٔ خود را برتر و صحیح‌تر از دیگران می‌داند و بر مبنای آن عمل می‌کند و دیگری را گمراه می‌خواند و تا آنجا پیش می‌رود که پیدایش فرقه‌های اسلامی مانند تشیع، اسماعیلیه و... را نیز بدون هیچ دلیل مستند تاریخی به یهود نسبت می‌دهد (دوسری، ۱۹۹۴: ۲۷).

باید توجه کرد که هدف مهم از تأکید بر ویژگی مذموم و ناپسند اهل کتاب، تنها بدگویی از ایشان نیست، بلکه بازداشتن مسلمانان از آلودگی به این صفات است. قرآن کریم، اهل کتاب را قومی پست می‌داند و علت انحطاط آنان را خودمحوری و خودبزرگی بینی معرفی می‌کند و از مسلمانان می‌خواهد که مانند ایشان رفتار نکنند:

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (آل عمران /

۱۰۵)؛ و مانند کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل روشن به آنان رسید، پراکنده

شدند و اختلاف کردند و آنان برایشان عذابی بزرگ است.

بخشی از اقوام یهود با اسلام به شدت دشمنی می‌ورزند و تا زنده‌اند یا تا مبعوث شدن، دست از این دشمنی برنمی‌دارند (ر.ک: بقره/۱۰۹).

دوست خواندن همهٔ یهود، تصویری ساده‌لوحانه و بر خلاف دستور قرآن کریم یا حتی خلاف اظهارات خود یهود است. قرآن کریم بارها با بیان صریح یا غیر صریح، اهل کتاب را مخاطب قرار داده است و حقانیت قرآن را با روش‌های گوناگون به آن‌ها یادآور شده است. یکی از این روش‌ها استفاده از مفاهیم شناخته‌شده در نزد آن‌ها در قالب و طرحی نو است که حقانیت قرآن را برایشان روشن سازد یا دل‌هایشان را دچار ترس و اضطراب نماید. نمونه‌های روشنی از آن در روایات مربوط به حروف مقطعه یا داستان مباحله همراه با نوعی فرایند روانی است. همچنین برخی آیات قرآن کریم با دلالت‌های اشاره، التزامی، تلویحی یا ضمنی، نوعی عملیات روانی بر روی مخاطب یهود انجام می‌دهند که او را مرعوب جذبۀ این کلام نورانی می‌نمایند یا بخش‌هایی را که ایشان پنهان نموده‌اند آشکار می‌نمایند:

﴿قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ نَّبِيٌّ لَكُمْ كَثِيرٌ مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ﴾ (مائده/۱۵)؛ در واقع فرستادهٔ ما به سوی شما آمد، در حالی که بسیاری از چیزهایی از کتاب [الهی] را که همواره پنهان می‌داشتید، برای شما روشن بیان می‌کند.

نوشتهٔ حاضر می‌کوشد ابتدا تعریف دقیقی از عملیات روانی و یهود ارائه دهد، سپس تکنیک‌های عملیات روانی قرآن کریم در رویارویی با یهود را بررسی کند. در این میان تأکید بر کاربرد کلمات و مفاهیمی است که در میان یهود شناخته‌شده بوده‌اند و کاربرد آن‌ها در قرآن کریم نوعی تأثیر روانی بر یهود داشته است. به همین منظور لازم است که کارکرد روانی این عملیات بر یهود یا اهل کتاب نیز بررسی گردد.

روش پژوهش

در این پژوهش، روش تحقیق زبانی و تأکید بر کارکردهای زبان است. قرآن کریم متنی زبانی است و ابزارهای آن نیز زبانی است. بیشتر تاکتیک‌های عملیات روانی نیز با استفاده از ساختارها و ابزارهای زبان تحقق پیدا می‌کند (ایاز، ۱۹۷۹: ۳۶). در بررسی

عملیات روانی سرّی تلاش می‌شود با بررسی ریشه‌شناسی^۱ و مقارنه بین زبان عربی و عبری و بررسی پیشینه کاربرد واژگان قرآنی در تورات، تأثیر این واژگان بر ذهن مخاطب یهود روشن شود.

شناخت یهودیان

بسیاری از آیات قرآن کریم با کلید واژه‌های مختلف «أهل الكتاب»، «بنی اسرائیل»، «قصص انبیاء» و... به مسئله یهود مرتبط است. خداوند از بیشتر یهودیان زمان پیامبر ﷺ چهره‌ای منفی ارائه می‌کند که ویژگی‌هایی منفی دارند؛ مانند کفر، تحریف کتاب خدا، دروغ‌گویی، نافرمانی خداوند، فساد در زمین، بی‌ادبی، پیمان‌شکنی، ترس، قتل، آدم‌کشی، حرام‌خواری، جنگ و خونریزی، سنگدلی و بی‌رحمی، نفاق و دورویی، خواری و پستی و ذلت، دشمنی با مردم، برتری‌طلبی، غرور، دنیاخواهی، فساد، جدل و حيله‌گری، تحقیر دیگران، دشمنی با مسلمانان، گزافه‌گویی، سرکشی و طغیان و خیانت در امانت (ابوعجور، ۲۰۱۰: ۴۴؛ طباره، ۱۹۶۶: ۴۴).

ولی یهودیان معاصر بسیار مختلف هستند. یهودیان شرق اروپا که بزرگ‌ترین گروه‌های آنان در اوکراین و روسیه حضور دارند و خود به دو گونه یهودیان متدین و یهودیان سکولار تقسیم می‌شوند. یهودیان غربی که به دو گونه یهودیان ارتودوکسی و یهودیان لائیک مشهورند. یهودیان آمریکای لاتین که به زبان‌های اسپانیایی و پرتغالی سخن می‌گویند. یهودیان جهان را با وجود تنوع و پیچیدگی گروه‌هایشان می‌توان به سه گروه کلی تقسیم کرد:

۱. یهودیان خارج فلسطین که دارای هویتی مسیحی همراه با صبغه یهودی هستند؛
۲. یهودیان داخل وطن صهیونی که هویت جدیدی دارند و با گذشته‌شان ارتباطی ندارند. این گروه به زبان عبری سخن می‌گویند و در اسرائیل متولد شده‌اند و «صابرا» نامیده می‌شوند.
۳. یهودیان ارتودوکسی که گروه اندکی هستند و خارج از مرزهای فلسطین زندگی

1. Etymology.

می‌کنند، ولی هویت یهودی خود را حفظ کرده‌اند (مسیری، ۲۰۰۲: ۳۵). اصطلاح یهودی بعد از هجرت بنی‌اسرائیل به بابل به وجود آمد. زبان یهودی از زبان بابلی تأثیر پذیرفته است. یهودیان در سلوک دینی خود از عوامل مذهبی ایرانی، بابلی و هلینی تأثیر عمیقی پذیرفته‌اند (همان: ۱۹)، مانند خورشیدپرستی یا پرستش خدای ادونای یا الهه خورشید به نام «Adonis» (احمد، ۱۹۶۹: ۲۲۶). در تعاریف گوناگونی که صهیونیست‌ها و یهودیان درباره خود ارائه کرده‌اند تأکید بر سه ملاک دیده می‌شود:

نخست، ملاک نسبی و خونی که جنس یهودی را با خون مرتبط می‌داند؛ دوم، ملاک فرهنگی و تراثی: یهودیان گروهی هستند که دارای سرگذشت و تاریخ مشترک بوده‌اند و در طول چهار هزار سال، این رابطه نزدیک در بین یهودیان حفظ شده است. این، یک اعتقاد مشترک نیست که ایشان را گرد هم آورده است، بلکه نوعی روش رمزی است که آن‌ها را در سراسر جهان در طول قرون به یکدیگر متصل کرده است. سوم، ملاک دینی و تعاریف گذشته که صهیونیست‌ها آن را نمی‌پذیرند و تلاش می‌کنند قداست هویت یهودی را بازگردانند. پس یهود امت برگزیده خداوند است که مصدر این قداست دین است و تفکیک بین قومیت یهود و عقیده یهودی ممکن نیست. یهود، امتی مقدس و کیانی برتر است که قداست آن به خاطر ارتباط خاص بین خدا و امت یهود است. این دیدگاه بر آن است که خداوند در این امت حلول کرده است. این نظریه، تنها یک تعریف اعتقادی نیست بلکه دارای نتایج قانونی و اقتصادی است، به طوری که یک شهروند صهیونیست حقوقی دارد که سایر شهروندان در اسرائیل فاقد آن هستند (مسیری، ۲۰۰۲: ۶۳).

یهودیان بیش از بیست قرن با نشاط برای نشر دین خود از بین ملت‌ها تلاش کردند. این دعوت‌کنندگان همه از داخل فلسطین نبودند، بلکه کسانی بودند که از دین پیروی می‌کردند و یهودیت در مناطق مختلفی از اروپا، آمریکای لاتین، روسیه و... منتشر شد (احمد، ۱۹۶۹: ۱۳۰).

یهود معاصر پیامبر صلی الله علیه و آله از قبیله شمعون بودند و چون پیامبر از بین آن‌ها انتخاب نشده بود به شدت نسبت به مسلمانان حسد می‌ورزیدند. آن‌ها خود را برتر از سایر اقوام می‌دانستند (عبدالرحمن، ۱۹۶۸: ۳۳/۱). باید بین شریعت موسوی و تعصب اسرائیلی

صهیونی تفاوت گذاشت. بنی اسرائیل پیش از شریعت موسوی وجود داشتند، آن‌ها حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام را آزار می‌دادند: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَتُذُنُونَ ﴿ص/ ۵﴾؛ و یاد کن هنگامی را که موسی به قومش گفت: ای قوم چرا آزارم می‌دهید؟

مفهوم برتری نژادی که اصل هر نوع بدی است، در بین این گروه وجود داشت و آنان گمان می‌کردند که فرزندان خدا و برگزیده هستند (همان: ۱۷۴/۲؛ ر.ک: مانده/ ۱۸).

یهودیان معاصر زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ احتمالاً از گروه قبایله بوده‌اند. اگرچه فرقه قبایله در قرن ۱۳ میلادی به صورت یک گروه صوفی‌اندیش شکل گرفت، پیش از آن به عنوان گروهی که دارای فرهنگ شفاهی و منقولات هستند، از این اصطلاح استفاده می‌شد. از اصطلاح قبایله به مفهوم کنایه از حکمت باطنی و امور غیبی در نزد یهود استفاده می‌شده است و به آن «خوخماه نستارا» گفته می‌شد. ولی در تلمود یهودی، این اسم به معنای اقوال شفاهی انبیا و تورات شفاهی اطلاق می‌شد. پس از قرن ۱۳ میلادی به تدریج این اصطلاح به معنای «حکمت باطنی» به کار برده شد. قبایله گروهی از متصوفه بودند که با معانی حروف و کلمات و ارقام و معجزاتی که انسان به این وسیله انجام می‌دهد سرگرم بودند (شامی، ۲۰۰۲: ۱۲۹).

عقیده برتری نژادی و اینکه یهود قوم برگزیده خداوند هستند، همچنان در بین یهودیان وجود دارد. به عقیده آنان، سایر ملت‌ها همچون حیواناتی هستند که برای بهره‌گیری بهتر یهود از آن‌ها، به صورت انسان آفریده شده‌اند و باید در خدمت یهود باشند (محمد عیسی، ۲۰۰۷: ش ۴۱۱/۶۸). یهودیان همواره با مسیحیان و مسلمانان دشمنی داشته و آن را نسل به نسل منتقل کرده‌اند (احمد، ۱۹۶۹: ۱۷).

بنابراین هرچند نمی‌توان به صراحت گفت که یهود معاصر همان یهود زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، عملکردها را می‌توان بر اساس اصول اسلامی و اخلاقی ارزیابی نمود (محمود زقوت، ۲۰۱۰). صهیونیزم، حرکتی غریب، سیاسی و استعماری بوده است که با استفاده از ابزارهای دینی در قرن نوزدهم تشکیل شد و مردم فلسطین را هدف گرفت و هدفش تسلط بر مناطق راهبردی عربی بود (خلیل، ۱۹۹۲: ۱۲۹). این حرکت دارای مبادی تفکری خودمحورانه، متکبرانه و توسعه‌طلبانه است و قرآن کریم بی‌تردید با چنین مبانی روی سازگاری ندارد و در مقابل رفتارهای ظالمانه ایستادگی می‌نماید.

مبانی عملیات روانی در قرآن کریم

عملیات روانی تاکتیک‌های متعددی دارد؛ مانند دروغ بزرگ، دشمن‌سازی، استفاده از قالب‌های استعاری، انسانیت‌زدایی از حریف، برجسته‌سازی و بزرگ‌نمایی عیوب، انگاره‌سازی، شعارخوانی، استفاده از نمادها و... (جنیدی، ۱۳۸۹: ۱۶۵؛ شیرازی، ۱۳۷۶: ۲۳۱). بی‌تردید قرآن از همه این روش‌ها به خاطر تناقض با اصول اخلاق اسلامی استفاده نمی‌کند. قرآن کریم با روش‌های گوناگون بر مخاطب یهود تأثیر می‌گذارد، برخی از این روش‌ها عملیات روانی محسوب می‌شوند؛ مثلاً تأکید بر دشمن بودن یهود برای مسلمانان، در صورت فهم صحیح می‌تواند موجب ارتقای سطح همبستگی اجتماعی در جوامع اسلامی و هوشیاری در برابر کید و نیرنگ دشمنان اسلام گردد، ولی متأسفانه در جوامع اسلامی به ویژه در سال‌های اخیر، نسبت به یهود ابزاری برای تحقیر، به انحطاط کشاندن فرق و مذاهب، انسان‌ها و یا حتی جوامع یهودی شده است تا آنجا که پیدایش تشیع نیز به یهود نسبت داده می‌شود یا یک گروه یهودی مثلاً فلاشا به خاطر ارتباط با یهود اسرائیل سرزنش می‌شوند (ادریس، ۱۹۹۳: ۵۵). به عبارت دیگر، این ابزار مفید در جهت عکس و برای ایجاد تفرقه و دشمنی در بین جامعه اسلامی به کار گرفته شده است. این نوع برداشت از آموزه‌های قرآنی، ناشی از برداشت سطحی از قرآن است و با این وضعیت نمی‌توان از جامعه اسلامی انتظار ایستادگی در برابر دشمن فریبکاری چون صهیونیزم داشت.

قرآن کریم که منبع اخلاق و سرچشمه حقایق و معارف است، در عملیات روانی نیز پایبند اصول اخلاقی و دینی است و در این عملیات هیچ کدام از این اصول نادیده گرفته نمی‌شود. در واقع عملیات روانی قرآن کریم نیز یک حرکت تربیتی در جهت رشد و ارتقای انسان است نه نابودی وی (نجار، ۱۴۲۶: ۳۰۸)، در حالی که عملیات روانی در سراسر جهان، مبتنی بر دروغ، شایعه‌پراکنی، تحقیر، انسانیت‌زدایی، تفرقه‌افکنی، تعمیم افراطی، غلو، انتقال و تسری دادن، وارونه کردن اطلاعات، برچسب زدن، تمسخر، توهین و... است (جنیدی، ۱۳۸۹: ۸۱-۱۶۵)، ولی در قرآن کریم عملیات روانی درباره یهود، مبتنی بر تبیین حقایق، از بین بردن غرور، سرزنش، دعوت به حقیقت،

تهدید و... در نزد یهود است. در عملیات روانی در قرآن، هدف بر خلاف عملیات روانی در غرب، تخریب و نابودی انسان‌ها یا تنها سرکوب کردن جوامع انسانی نیست، بلکه هدف تأثیرگذاری بر جوامع انسانی به منظور اصلاح، ارتقا و رشد انسان است و این راز موفقیت و ماندگاری آن است؛ زیرا عملی که مبتنی بر حقیقت و راستی باشد، باقی می‌ماند، ولی عملی که بر دروغ بنا شده باشد، ممکن است در کوتاه‌مدت اثری داشته باشد، ولی بالاخره بنای پوشالی آن سرنگون خواهد شد و آن را نمی‌توان یک عمل پایدار به شمار آورد: ﴿كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزُّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ﴾ (رعد/۱۷)؛ خداوند حق و باطل را چنین [مثل] می‌زند و اما کف به کناری می‌رود، ولی آنچه به مردم سود می‌رساند، پس در زمین می‌ماند.

می‌توان گفت که در عملیات روانی، روش قرآن کریم صحیح‌تر است. قرآن کریم از روش‌های مختلفی برای عملیات روانی بهره می‌گیرد. با ملاحظه مبانی و اصول مسلم قرآنی، این عملیات روانی شکل‌ها و مصادیق مختلفی می‌تواند پیدا کند. برخی از این مبانی عبارت‌اند از: ایمان به خداوند، یقین به فرجام درستی، صبر و بردباری، حقیقت‌گویی، مبارزه با شرک، کفر و ظلم، حق‌طلبی، امیدواری و کرامت انسانی. این مبانی بر روش عملیات روانی در مقابل یهود تأثیرگذار است که موارد زیر از مصادیق آن است.

تاکتیک‌ها و تکنیک‌ها که در عملیات روانی از آن به عنوان روش‌ها و شگردها نیز یاد می‌شود، در تهیه پیام روانی، تبلیغات، شایعات، شیوه‌های تأثیرگذاری بر مخاطب و به طور کلی بر تمام کنش‌ها و واکنش‌های روانی، نقش و کاربرد فراوان دارد. تاکتیک به معنای قواعد روشن و سیاست‌های کلی است که تکنیک‌ها بر اساس آن پی‌ریزی می‌شود (ولی‌وند و نیازی، ۱۳۹۱: ۶۹).

انواع عملیات روانی

عملیات روانی به سه طریق علنی، شبه علنی و سرّی انجام می‌شود. برخی از روش‌های عملیات روانی علنی یا شبه علنی را می‌توان در نمونه‌های ذیل جستجو کرد.

الف) عملیات روانی علنی

۱. تاکتیک روشنگری

این تاکتیک برای جلب اعتماد مخاطب اجرا می‌شود و ابزاری مؤثر برای آماده کردن و اقناع و ایجاد اطمینان نزد مخاطب به منظور تحقق اهداف عملیات روانی است و در حوزه تمام مخاطبان کاربرد دارد و دامنه تأثیر آن بسیار گسترده است (همان: ۷۴). یهودیان خود را دوستان خداوند، قوم برگزیده خداوند، فرزندان ابراهیم و قوم برتر معرفی می‌کنند. قرآن کریم، برتری ظاهری بنی اسرائیل را در برخی موارد می‌پذیرد و ویژگی روحی یا فکری ممتاز ایشان را انکار نمی‌کند، ولی یادآور می‌شود که آنچه سبب برتری یک جامعه یا انسان در نزد خداوند است، تنها تقوا و اطاعت از وی است و ایشان را به خاطر این تفکر اشتباه سرزنش کرده و آن‌ها را در برابر خداوند با سایر بندگان برابر معرفی می‌کند:

«وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ» (مائده / ۱۸): و یهودیان و مسیحیان گفتند: ما پسران خدا و دوستان او هستیم.

«يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره / ۴۷): ای بنی اسرائیل نعمت مرا که بر شما ارزانی داشتم به یاد آورید و اینکه من شما را بر جهانیان برتری بخشیدم.

«إِنَّا كَرَّمْنَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات / ۱۳): در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا خودنگهدارترین شماست.

۲. تاکتیک رعب

یکی از شیوه‌های مؤثر در عملیات روانی، ایجاد ترس در میان صفوف دشمن و حامیان آن‌هاست (کمالی کلیمانی، ۱۳۸۸: ۱۴). خداوند در قرآن کریم بارها داستان بسیاری از پیامبران و ظالمانی را که در نزد یهود شناخته شده بودند، یادآوری می‌کند؛ مانند داستان فرعون و موسی، قارون، نوح، داود، سلیمان و... کارکرد این داستان‌ها برای مخاطب یهود، یادآوری سرانجام فرمان‌برداری و نافرمانی الگوهای شناخته شده در نزد ایشان است؛ چون آن‌ها فرعون را می‌شناختند و از قدرت و شوکت وی اطلاع داشتند و باز خود سرکشی و خودبرتربینی می‌کردند (منصورنژاد، ۱۳۸۸: ۱۱۴)، لذا خداوند به یهود

یادآوری می‌کند که او با هیچ کس عهد و پیمانی برای حمایت دائم نبسته است: ﴿قُلْ أَخَذْتُ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدِي﴾ (بقره/ ۸۰)؛ بگو آیا پیمانی از جانب خدا گرفته‌اید؟! تا آنکه خدا از پیمانش تخلف نرزد.

حمایت وی در گرو اطاعت و فرمان‌برداری از اوست و این پیام برای هر دوی مسلمانان و یهود است. بنابراین هیچ چیز سبب برتری یهود بر دیگران نیست، مانند قبله، هوش برتر، قدرت و ثروت بیشتر (طنطاوی، بی‌تا: ۵۳۸؛ رک: بقره/ ۱۷۷؛ توبه/ ۶۹؛ فجر/ ۱۰).

۳. تاکتیک استمرار و تواتر

استمرار به معنای پیوستگی است، یک درون‌مایه تبلیغاتی در مدت‌زمان طولانی و با تکرار زیاد تبلیغ می‌شود و به تدریج به مفهوم اول (منظور اصلی) و مفهوم آخر (برداشت مخاطب) به هم نزدیک و در وضعیت مطلوب بر یکدیگر منطبق می‌شوند (ولی‌وند و نیازی، ۱۳۹۱: ۷۳). مسئله دشمنی با قومی که کمر به نابودی مسلمانان بسته (شبیر، ۱۴۱۰: ۱۶) و قرآن و حقانیت فرستاده خداوند را با وجود علم به درستی آن انکار کرده‌اند، می‌توان با تکنیک استمرار دنبال کرد. شاید بتوان با قاطعیت گفت که هیچ موضوعی در قرآن کریم به اندازه آیات مربوط به بنی‌اسرائیل و داستان آن‌ها حجم زیادی از آیات را به خود اختصاص نداده است و بسیاری از آیات با مضامین مشابه و کلمات شبیه به هم تکرار می‌شوند.

۴. تاکتیک شیفتگی

این تکنیک به منظور ایجاد شیفتگی در نزد مخاطب غیر خودی برای داشتن امکانات عامل عملیات روانی و ایجاد علاقه و حس افتخار در نزد مخاطبان خودی به کار می‌رود (همان: ۷۸). بسیاری از مفاهیمی که در قرآن کریم آمده است، از آرزوهای دیرین یهود است، مانند تسلط بر جهان و ایجاد امنیت در منطقه سینا:

﴿وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَصِغَ لِلْأَكْلِيلِ﴾ (مؤمنون/ ۲۰)؛ و درختی که از کوه پربرکت طور سینا بیرون می‌آید که با روغن و نان خورشی برای خورندگان می‌روید.

منطقه سینا یکی از مناطقی است که شاهد بیشترین درگیری و ناامنی در طول تاریخ

بوده است و تا کنون کسی نتوانسته است در این منطقه امنیت را برقرار نماید. درخت زیتون، تورات و انجیل، نماد هدایت، امنیت و رهبری است (سیوانتوس، ۱۳۷۸: ۱۲۴؛ سفر تنبیه، ۸: ۸ و ۶۱: ۱). خداوند رویدن درخت امنیت و صلح را در این منطقه نوید می‌دهد. در نامه‌ها و مکاتیب الرسول ﷺ نیز نوید برقراری امنیت برای اهل کتاب بدون اجبار به تغییر دین و آیین داده شده است:

ولا یغیر حق من حقوقهم ولا ملتهم، ولا یغیروا أسقف من أسقفیتہ ولا راهب من رهبانیتہ ولا واقها من وقیہا (بیہقی، ۱۴۰۵: ۵/۳۸۵).

قرآن کریم این امکانات را برای انسان‌های نیکوکار معرفی می‌کند (ر.ک: انبیاء/ ۱۰۵؛ قصص/ ۵) و چون مخاطب یهود به وجود خداوند و آخرت باور دارد، لذا آن‌ها را به حقیقت فرا می‌خواند (ر.ک: آل عمران/ ۶۴؛ طنطاوی، بی‌تا: ۶۳۵).

۵. تاکتیک محدود کردن مجاری کسب خبر

این تکنیک در حوزه داخلی دوست و بی‌طرف تأثیرگذار است. هدف اصلی از اجرای این تکنیک ایجاد مانع در روند انتقال پیام دشمن و گروه‌های مخالف به مردم است که به طور عمده از طریق رسانه‌ها انجام می‌شود. قرآن کریم بر کاربرد این اصل بسیار تأکید می‌کند. این روش در سه مرحله انجام می‌شود. مرحله نخست، منع از ارتباط با اهل کتاب و مشرکان: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا﴾ (آل عمران/ ۱۱۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان [دوست] همراز مگیرید. آن‌ها از هر گونه تباهی [و فساد فرهنگی] درباره شما کوتاهی نمی‌کنند. مرحله دوم، تحقیق و تفحص: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا﴾ (حجرات/ ۶). مرحله سوم، انکار خوش‌باوری و اعتماد به یهود و همنشینی با آن‌هاست (قاسمی، ۱۳۹۱: ۸۶).

۶. تاکتیک قاطعیت در کلام و عمل

پیام باید اطمینان‌زا باشد و شک‌برانگیز نباشد و در آن از کلمات شاید، احتمالاً، اگر... استفاده نشود؛ زیرا پیام هر چه محکم‌تر باشد، بیشتر مخاطب را به تأمل وادار می‌کند. در قرآن کریم، مفاهیم مربوط به یهود با کلمات تأکید همراه است و کلمات مبهم و تردید‌آمیز کمتر به چشم می‌خورد. به همین منظور، از انواع تأکیدها مانند «إِنَّ»،

«آن»، «نون تأکید مثقله» و «ضمیر فصل» همان طور که در آیات گذشته دیده می‌شود استفاده کرده است.

۷. تاکتیک تفرقه

در این تاکتیک با تکیه بر بسترهای اختلاف‌انگیز در موضوعات تاریخی، قومی، دینی، طبقاتی، شخصی و... تلاش می‌شود تا بر دامنه و عمق اختلافات بین صفوف دشمن به متحدانش افزوده گردد. این تاکتیک در عملیات روانی، تاکتیکی و تحکیمی علیه گروه‌های دشمن و مخالف کاربرد دارد (ولی‌وند و نیازی، ۱۳۹۱: ۷۷). خداوند بین یهود تفرقه می‌اندازد و آن‌ها را نسبت به ادامه راه و روش قبلی مردد می‌کند: ﴿لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ﴾ (آل عمران / ۱۱۳)؛ همه اهل کتاب یکسان نیستند؛ از اهل کتاب، گروهی قیام‌کننده‌اند که آیات خدا را در شبانگاهان می‌خوانند در حالی که آنان سجده می‌نمایند. نکته دیگر بیان قرآن کریم در آن زمان این است که یهودیان نیز در برابر اسلام موضع یکسانی نداشتند و برخورد همراه با عطف با گروهی که دشمنی زیادی با مسلمانان نداشتند، می‌توانست در ایجاد تفرقه در بین آنان مؤثر باشد. خود این بیان نشان می‌دهد که برخی از اهل کتاب خواستار علم به حکم خوردن طعام مسلمانان از جانب پیامبر بودند، وگرنه صدور این عبارت، بی‌فایده و خلاف مقتضای حکمت است: ﴿وَطَعَامَكُمْ جَلَّ هَمٌّ﴾ (مائده / ۵)؛ غذای شما برای آنان حلال است.

ب) عملیات روانی سرّی

عملیات روانی به سه شکل علنی، شبه‌علنی و سرّی انجام می‌شود (جیوری، ۱۴۳۰: ۲۲). به نظر می‌رسد که می‌توان روش‌های گذشته را جزء روش‌های علنی به شمار آورد و روشی را که در ادامه اشاره می‌شود، جزء روش‌های سرّی دانست. یکی از روش‌های منحصر به فرد عملیات روانی در قرآن کریم که در عملیات روانی متداول نظیر ندارد و راهبرد آن به مراتب بیش از سایر روش‌هاست، استفاده از قابلیت‌ها و توان دشمن در تفهیم حقیقت است. این روش در عملیات‌های روانی نظیر ندارد؛ چون همیشه بیگانه خواستار تحمیل قدرت خارجی بر دشمن است و استفاده از این روش نیازمند شناخت

کامل و حتی دقیق‌تر از خود دشمن به وی است، زمانی که کلامی را به کار می‌برد که به صورت ناخودآگاه به خاطر پیشینه تاریخی و فرهنگی در وی ایجاد ترس و اضطراب و دلهره یا تأمل و تردید می‌کند یا در مواقع خاص از یهود درخواستی می‌کند که آن‌ها را به چالش می‌کشد، چون خداوند با علم بی‌انتها از کنه وجود مخاطب خود آگاه است و وی را در تنگنا قرار می‌دهد، نمونه آن فرمان درخواست مرگ است که البته یهود آن را انجام ندادند؛ زیرا به حقانیت خود اعتمادی نداشتند: ﴿قَتَمُوا الْمَوْتِ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره/ ۹۴)؛ پس اگر راست می‌گویید آرزوی مرگ کنید. مواردی از این تاکتیک را می‌توان در نمونه‌های ذیل بررسی کرد.

۱. حروف مقطعه

۲۸ سوره از قرآن کریم با حروف هجایی مقطع شروع می‌شود. قرآن‌پژوهان و مفسران دیدگاه‌های مختلفی را درباره مفهوم این حروف ارائه کرده‌اند. برخی آن‌ها را سرّی بین خدا و رسول دانسته‌اند. عده‌ای نیز آن‌ها را حرفی دانسته‌اند برای ساکت کردن مشرکان. گروهی نیز آن‌ها را حرفی برای اشاره به مفاهیم داخل سوره دانسته‌اند. برخی هم آن‌ها را علامت‌های اختصاری برخی کلمات دانسته‌اند؛ مثلاً «الر» به معنای «الله الحکیم الرؤوف». برخی آن‌ها را نشانه‌هایی از حروف به کار رفته در سوره پنداشته و برخی آن‌ها را با خط هیروگلیف تفسیر کرده‌اند (عدل، ۱۳۸۸: ۵۴). برخی آن‌ها را دارای اعجاز عددی یا موسیقایی دانسته‌اند (بازرگان، ۱۳۷۹: ۵۱). برخی مستشرقان این حروف را نشانه مصاحف صحابه یا نام ایشان دانسته‌اند (طاهر، ۱۳۷۲: ۱۸).

علمای اسلام، حساب جمل را نیز از نظر دور نداشته و سعی کرده‌اند تا بر آن مبنا نیز راه حلی برای حروف آغازین بیابند. از قول مقاتل بن سلیمان نقل کرده‌اند که گفته است: ما حرفی را که در آغاز سوره‌ها قرار دارد حساب کردیم، با حذف مکثرات بالغ بر ۷۴۴ می‌شود که مدت بقای این امت است (بلخی، ۱۴۲۳: ۲۰۳/۵). طبیعی است که خطا بودن نظر وی پس از انقضای زمان مزبور روشن گردید. علی بن فاضل مجاشعی نحوی نیز می‌گوید: این حروف را با مکثرات آن حساب کردم، بالغ بر ۳۰۶۵ بود و آن را مربوط به عمر امت اسلامی دانسته است. در کتاب *روح المعانی* روایتی از عمر بن

عبدالسلام آمده است که حضرت علی ع واقعه معاویه را با حساب جمل از ﴿ممسق﴾ استخراج کرد و این دلالت بر جواز این عمل می‌کند (طاهر، ۱۳۷۲: ۲۱).

پیشینه حساب جمل به فرقه عرفانی قبایله باز می‌گردد و از بین آن‌ها به مسلمانان راه یافته است. صرف نظر از مفاهیمی که برای این حروف مقطعه بیان شده است، درباره این حروف در روایات تاریخی مسئله‌ای مطرح شده که با عملیات روانی در رویارویی با یهود ارتباط دارد. در روایت آمده است که پس از نزول برخی سوره‌های دارای حروف مقطعه، یهود معاصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که از فرقه‌ای بودند که برای حروف ارزش عددی قائل بودند، سنّ جامعه اسلامی را بر اساس حروف مقطعه ۷۰ سال محاسبه کردند، ولی هنگامی که حروف دیگر را شنیدند، از محاسبه خود منصرف شدند. این مسئله که قرآن کریم از حروف به شکلی استفاده کرده است که برای یهودیان آن زمان که جزء چنین فرقه‌ای بودند، نوعی عملیات روانی است و وجود این حروف در ابتدای دو سوره بزرگ بقره و آل عمران که به صورت کلی مربوط به بنی اسرائیل و یهود است، مفهوم خاصی برای این گروه از یهودیان داشته است، اگرچه ممکن است که حروف مقطعه به صورت کلی به این منظور نازل نشده باشد (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱/۲۲۳).

فرقه قبایله یا همان کابالا اگرچه پس از قرن سیزده میلادی شکل گرفت، ریشه در کتاب «زوهر» دارد که از نگاه‌های شمعون بود. قبالا به معنای پذیرش منقولات شفاهی است که بنی اسرائیل آن را از کتاب «زوهر» پذیرفته‌اند. طبق دیدگاه تولدکه یهودیان مدینه از طبقه کاهنان بودند (علی، ۱۴۱۳: ۵۲۱/۶). این کتاب برای حروف ارزش عددی قرار داده است. در زبان عبری حروف به صورت متصل در کلمه مفهوم دارند و به صورت جدا نیز دارای معنا هستند (کرمانی، ۱۳۸۷: ش ۳۱/۱۵-۴۵). روایت مذکور هرچند ارزش عددی برای حروف مقطعه را نفی می‌کند، ولی برخی از آن نیز نفی نشده است، به این معنا که در برخی موارد ممکن است حروف مقطعه دارای ارزش عددی باشند، اما اینکه این حروف دارای این معنا هستند یا نه، در اینجا مورد بحث نیست، بلکه این مسئله مهم است که با توجه به روایت، این حروف یهودیان معاصر پیامبر صلی الله علیه و آله را از کوتاه بودن عمر جامعه اسلامی ناامید کرده است. در روایت روشن نیست که چرا یهودیان ارزش عددی حروف را درباره عمر جامعه اسلامی دانسته‌اند. ولی این حروف

برای مخاطب بنی اسرائیل مفهوم خاصی دارد که حتی شاید برای یک مسلمان قابل فهم نباشد یا اصلاً اهمیت نداشته باشد. به عبارت دیگر، شنیدن حروف «الم» برای مخاطب مسلمان، پیام مخاطب یهود عصر پیامبر ﷺ را ندارد. قرآن کریم از شیوه‌ای استفاده کرده که پیش از این در یهودیت و مسیحیت سابقه داشته است. مبهم بودن مفهوم و شکل جدید و بی سابقه کاربرد این حروف برای ایشان ترسی ایجاد کرده است که با حساب حروف ابتدایی بقره و آل عمران که مدنی‌اند به نزد پیامبر ﷺ آمده و سپس فهمیده‌اند که پیش از این در مکه نیز حروف دیگری نازل شده است. بنابراین این حروف دارای عملیات روانی بر روی مخاطب یهودی از فرقه قبالیة زمان معاصر پیامبر ﷺ بوده است و خود ابهام و گنگ بودن آن و اینکه آن‌ها دقیقاً نمی‌توانستند به مفهوم این حروف دست یابند، این تهدید را برای ایشان افزایش داده است. اینکه مستشرقان تلاش کرده‌اند آن را غیر وحیانی جلوه دهند و بدون هیچ مستند تاریخی آن را مربوط به مصاحف صحابه یا نام ایشان معرفی کنند، نشانگر حساسیت آنان به این حروف است. واقعیت حروف مقطعه این است که مانند تمام آیات دیگر دارای ظاهر و باطن هستند. ظاهرشان قابل فهم و تفسیر است، همان‌طور که در روایات و پژوهش‌های مختلف دیده می‌شود و باطنشان سری است بین خدا و رسول که جز پاکان بدان دست نمی‌یابند.

۲. آیه مباهله

خداوند در این آیه اهل کتاب را به مباهله فرا می‌خواند:

﴿قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾
 (آل عمران / ۶۱)؛ پس بگو: بیاید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و خودمان و خودتان را دعوت کنیم، سپس مباهله می‌کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار می‌دهیم.

این آیه و دو آیه قبل از آن درباره هیئت نجرانی نازل شده است. آن‌ها خدمت پیامبر ﷺ رسیدند و عرض کردند: آیا هرگز دیده‌ای فرزندی بدون پدر متولد شود؟ در این هنگام آیه ﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ...﴾ نازل شد و هنگامی که پیامبر ﷺ آن‌ها را به مباهله

دعوت کرد، آنها تا فردای آن روز از ایشان مهلت خواستند. فردا پیامبر ﷺ آمد در حالی که دست امام علی عَلِيٌّ را گرفته بود و حسن و حسین عَلِيٌّ در پیش روی او راه می‌رفتند و فاطمه عَلِيٌّ پشت سرش بود. در روایتی آمده است که اسقف مسیحیان به آنها گفت:

من صورت‌هایی را می‌بینم که اگر از خداوند تقاضا کنند کوه‌ها را از جا برکند، چنین خواهد کرد. هرگز با آنها مباحله نکنید که هلاک خواهید شد و یک نصرانی تا روز قیامت بر صفحه زمین نخواهد ماند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۱/۲۹۱).

این آیه اگرچه درباره مسیحیان نصرانی است، بحث بر سر کاربرد واژه «نبتهل» است. ریشه بهل عبری است و دارای سه معنای محوری و ریشه‌ای تخلیه، کمی آب و نوعی از دعاست (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱/۳۱۱). فرق بین ابتهال و تضرع، در مفهوم تخلیه است؛ زیرا در تضرع، انسان از نفس مادی خود منصرف و تخلیه می‌شود و روح او به یاد خداوند مشغول می‌گردد. تفاوت بین بهل و لعن در مفهوم طرد و تخلیه است. معنای محوری در لعن طرد است و در بهل تخلیه، مانند آیه ﴿ثُمَّ نَبْهَلُ فَنَجْعَلُ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾، یعنی ما تمایلات شخصی و توجهات نفسانی را برای توجه به خداوند ترک می‌کنیم. پس ابتهال در این آیه به معنای توجه تام به خداوند برای طلب لعن دروغ‌گوست و تنها به معنای لعن نیست و مفهوم آن با لعن متفاوت است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱/۳۴۹).

از عبارت مصطفوی روشن می‌شود که وی بین لعن و بهل، تفاوت گذاشته است. ریشه لعن در قرآن کریم ۴۱ مرتبه و ریشه بهل تنها یک مرتبه به کار رفته است. تک کاربرد بودن این ریشه نشانگر ویژگی خاص آن است که در ریشه لعن وجود ندارد. بررسی پیشینه کاربرد این ریشه در متون مقدس می‌تواند این مسئله را روشن نماید. کاربرد این واژه در خطاب به اهل کتاب، با تهدید و عملیات روانی همراه است؛ زیرا کاربرد ریشه بهل در همان معنای اضطراب و لعن و پریشانی، در نزد یهود سابقه داشته است و این نه تنها برای مسیحیان بلکه برای یهود نیز تهدیدآمیز است.

قرآن کریم از واژه‌ای استفاده می‌کند که مفهوم آن در نزد اهل کتاب کاملاً شناخته شده است. بنابراین استفاده آن در سیاقی نو و در اثبات حقانیت اسلام برای

آن‌ها بسیار تهدید‌آمیز و متأثرکننده است. کاربرد نوع واژگان از شگردهای عملیات روانی است که اهمیت فراوانی دارد (ایاز، ۱۹۷۹: ۳۶).

همان‌طور که در روایت نیز آمده است، آن‌ها از ادامه مباحله منصرف می‌شوند؛ زیرا پیامبر ﷺ اهل بیت خود را برای مباحله به همراه می‌آورد که حقانیت آن حضرت را ثابت می‌کند. بنابراین این آیه دارای نوعی تهدید روانی بر ناخودآگاه مخاطب یهود آشنا با کتاب مقدس است؛ چرا که این واژه مفهومی از اضطراب و پریشان‌حالی را با خود دارد و بارها در مفهوم عذاب و گرفتاری در کتاب مقدس به کار رفته است. ریشه بهل (בל) در زبان عبری به معنای سرع، عجل، استعجل، اضطرب، جزع، ذعر، ارتعب، ارب، افزع و خوف است (مزرخی، بی‌تا: ۴۹). این ریشه در کتاب مقدس بارها به کار رفته است. (Ps 6:3, 6:4; 1sa 28:21; 2sa 4:1; Eze 26:18; Exe 15:15; Ece 8:3; Jud 20:41; Gen 45:3). این واژه در کتاب مقدس به معنای در معرض ترور قرار دادن، وحشت‌زده کردن، دعا کردن و تقاضا کردن به کار می‌رود (Prideaum, 1811: 56). این کاربرد با مسئله مباحله در قرآن بسیار نزدیک است؛ کسی که لعن و نفرین نابه‌جا کند، از هستی ساقط می‌شود. بر اساس امثال ۲۱:۲۰، هر کس پدر و مادر خود را لعنت کند چراغش در ظلمت غلیظ خاموش خواهد شد. بنابراین آیه مباحله در خود نوعی تهدید روانی دارد که به دلیل مشابهت واژگان و استفاده از اطلاعات مخاطب به وجود می‌آید.

۳. سوره اسراء

یکی دیگر از نمونه‌های این نوع عملیات روانی در سوره اسراء به چشم می‌خورد. خداوند در ابتدای این سوره از واژه‌ای استفاده می‌کند که برای مخاطب یهود شناخته شده است:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (اسراء / ۱)؛ منزه است آن که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که پیرامونش را پربرکت کرده‌ایم، سیر داد تا برخی از نشانه‌هایمان را به او بنمایانیم که او شنوا و بیناست.

مفسران واژه «اسری» را به معنای «سیر شبانه» دانسته‌اند، ولی چند نکته را روشن

نکرده‌اند یا توجیه قانع‌کننده‌ای ارائه نداده‌اند. نخست، فرق سیر با سری که ریشه این واژه است. دوم، علت این سیر شبانه از مسجدالحرام به بیت‌المقدس که موجب شده برخی گمان کنند که مسجدالاقصی همان بیت‌المعمور در آسمان چهارم است. سوم، تناسب بین آیه نخست که بر اساس تفسیر ایشان که در سیاق امتنان است و آیات بعدی که در سیاق تهدید و تخویف است (ر.ک: اسراء/ ۷۴). واژه سری در زبان عبری، عربی و سریانی به معنای حمله نظامی مخفیانه است (فیروزآبادی، بی‌تا: ۳۴۶/۱؛ فیومی، ۱۳۱۳: ۲۷۵/۲).

بی‌توجهی به پیشینه کاربرد این واژه در متون مقدس و مقارنه بین ریشه‌های این واژه که از روش‌های جدید برای دستیابی معنای ریشه‌ای و دقیق واژه است (عبدالطوب، ۱۳۶۷: ۵۴) سبب گردیده در طی قرون مختلف این واژه به مفهوم «سیر شبانه» گرفته شود، بی‌آنکه پاسخی برای این پرسش‌ها پیدا شود. در تورات، ۹ تن از فرماندهان مخفی داود، سرایا نامیده شده‌اند. خداوند از یک لشکرکشی شبانه تنها با یک بنده‌اش خبر می‌دهد، ولی از لفظ سری استفاده می‌کند. تردیدی نیست که آیات ابتدایی این سوره خطاب به اهل کتاب است، بنابراین از واژه‌ای شناخته‌شده در نزد اهل کتاب به ویژه یهود استفاده می‌شود. واژه «سرایا» در زبان عبری و در تورات به معنای سربازان پنهان خداست. در کتاب مقدس، ۹ نفر بدین نام نامیده شده‌اند (تورات، سموئیل ۲، ۱۷:۸ و ۲۵:۲۰؛ پادشاهان ۲، ۱۸:۲۵؛ تواریخ ۱، ۶:۱۴؛ ارمیا ۵۲، ۲۴:۲۷) که یکی از آن‌ها «صادوق»، کاتب داوود نبی عَلَيْهِ السَّلَام بود.

به نظر می‌رسد که این واژه در تورات لقب برای عده‌ای خاص بود. هرچند این اصطلاح همچون یک نام به کار رفته است، ولی چون درباره افراد مختلف است، نشان می‌دهد که این واژه یک اصطلاح یا لقب برای گروهی از سربازان مخفی ویژه بوده است. سرایا سرداران سپاه یا کاتبان حضرت داوود عَلَيْهِ السَّلَام بودند. یکی از ویژگی‌هایشان این بود که سربازان خاص خدا نامیده شده‌اند (تورات، تواریخ ۱، ۱۶:۱۸ و ۴:۳۵). همین ریشه در واژه «سرایا» درباره حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن به کار رفته است:

﴿فَنَادَاهُمِنْ تَحْتِهَا الْأَعْمَىٰ فَدَجَلَتْ رَبُّكَ لِتُحْتَكِبَ فِيهِ رَبُّنَا﴾ (مریم/ ۲۴)؛ و از زیر پای او ندا داد که اندوهگین مباش؛ چرا که پروردگارت زیر پای تو سرباز مخفی خود را قرار داده است.

در تورات آمده است که صادوق بن اخطیوب و اخلیملک بن ابیاتار کاهن بودند یا دربارهٔ سرایاه آمده است که پادشاه خواست سرایاه را دستگیر نماید، ولی خداوند ایشان را مخفی نمود (تورات، ار، ۳۶: ۲۶). آنچه دربارهٔ سرایان مخفی در تورات گفته شد، کاملاً با باور قرآنی دربارهٔ عیسی عَلَيْهِ السَّلَام منطبق است که وی به دست کاهنان کشته نشد، بلکه آن‌ها توهم نمودند که عیسی عَلَيْهِ السَّلَام را کشته‌اند:

﴿وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ﴾ (نساء / ۱۵۷)؛ و حال آنکه وی را نکشتند و او را بر دار نیاویختند، ولیکن [امر] بر آنان مشتبه شد.

در حالی که عیسی عَلَيْهِ السَّلَام زنده است و خداوند او را به آسمان برده است:

﴿إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعَكَ إِلَيَّ﴾ (آل عمران / ۵۵)؛ در حقیقت من تو را برگرفته و تو را به سوی خویش بالا می‌برم.

سرایا جمع واژه «سَریاً» است؛ واژه‌ای که برای حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام به صورت مفرد به کار رفته است: ﴿فَنَادَاهُمَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا مَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ مَحْتَكِ سَرِيًّا﴾ (مریم / ۲۴). بنابراین اصطلاح سرایا برای یهودیان و فرزندان عمران و مریم عَلَيْهِمَا السَّلَام اصطلاحی شناخته شده بوده است. بشارت دادن مریم در هنگام اندوه و ناراحتی به اینکه فرزند وی یکی از سرایاه است، می‌توانست برای وی دلگرم کننده باشد. چند نکته در فهم آیه نخست این سوره تأثیرگذار است.

۱. اسراء، اتفاقی تاریخی است که روایات آن مستفیض و اطمینان‌آور است و در منابع شیعه و اهل سنت در حدّ مستفیض وارد شده است (ابن فوزان، ۱۴۲۰: ۲۰۱). مفهوم واژه «أسری» با توجه به آنچه گفته شد، لشکرکشی مخفیانه و شبانه است. اهمیت کاربرد این واژه دربارهٔ پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام آن است که به تنهایی به اندازهٔ سپاهی کارگشاست. البته نباید از نظر دور داشت که سربه به معنای بخش ممتاز سپاه است (فیروزآبادی، بی تا: ۳۴۶/۱؛ فیومی، ۱۳۱۳: ۲۷۵/۲).

۲. آیات پسین که تهدیدی برای یهودیان گنهکار و اخراج آن‌ها از بیت المقدس است (ر.ک: اسراء / ۵).

۳. چرا برای این سفر و عروج روحانی، حرکت از مسجد الحرام تا بیت الاقصی لازم

بود؟ آیا این سفر روحانی در خود مسجدالحرام ممکن نبود؟ توجه به این نکته که در آن زمان بیت‌المقدس در دست یهودیان و اهل کتاب بود، شاید در تبیین سیر شبانه یا لشکرکشی مؤثر باشد. آیه ۱۱۴ سوره بقره که شأن نزول آن درباره مسجدالاقصی است، می‌فهماند که در آن زمان مسجدالاقصی احتمالاً در دست دشمنان خداوند بوده است (ر.ک: بقره/۱۱۴؛ ذکاوتی قراگزلو، ۱۳۸۳: ۲۵). به نظر می‌رسد سیاق آیات ابتدایی سوره اسراء، بیشتر تهدید و تعظیم است تا امتنان (ابن فهد مکی، ۱۴۱۹: ۴۰).

توجه به مسائل یادشده می‌تواند نشانگر آن باشد که حرکت از مسجدالحرام تا مسجدالاقصی می‌توانسته یک نوع لشکرکشی ویژه با اهداف خاص باشد. این هدف می‌تواند تهدید و ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان اسلام باشد. حضور این واژه در قرآن کریم تهدیدی برای یهود به شمار می‌آید و نمی‌توان میزان تخویف این واژگان قرآنی را برای یهودیانی که حقانیت این کتاب را همچون فرزندانان می‌شناسند، تبیین کرد:

﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ﴾ (بقره/۱۴۶)؛ کسانی که کتاب الهی به آنان داده‌ایم، همان گونه که پسران خود را می‌شناسند، او [محمد] را می‌شناسند.

احتمالاً عبارت لشکرکشی مخفیانه تنها با یک بنده از مسجدالحرام به مسجدالاقصی، برای نشان دادن آیات بزرگ خداوند به اوست. توجه به آیات پسین سوره اسراء که در سیاق تهدید و ارعاب یهودیان و سرکوبی و اخراج آن‌ها از بیت‌المقدس است می‌تواند نشانگر مفهوم دقیق واژه «أسری» باشد. وگرنه چه ارتباطی بین رحمت خداوند بر پیامبرش در معراج و آیات تهدید یهودیان به اخراج از مسجدالاقصی و جنگ بین ایشان و بندگان خدا می‌توان برقرار کرد؟ (ر.ک: اسراء/۴-۷؛ برای اطلاع بیشتر ر.ک: حسینی، ۱۳۹۲: ش ۷۱-۵۱/۱).

یکی از نکاتی که می‌تواند بیانگر میزان تأثیر این عملیات روانی در یهود باشد، سخنان تندی است که برخی مستشرقان مانند ماسینیون، وات موتمگری، مویر، گلدزیهر، اسبانی خوزی، طیلانی و ازیکو تشریولی درباره این سوره به صورت خاص بیان کرده‌اند و تمام تلاش خود را برای به سخره گرفتن مضامین این سوره به کار بسته‌اند یا تلاش کرده‌اند آن را از سنخ اساطیر ایرانی درباره مانی و زرتشت معرفی کنند

و خبر اسراء را تلاشی اموی در جهت اعاده حیثیت از شهرهای شام جلوه دهند و در آن تشکیک نمایند (حاج، ۲۰۰۲: ۱۶۸/۱ و ۱۶۵/۲). برخی بر این باورند که حادثه اسراء، محوری برای عملیات روانی مشرکان علیه اسلام است و صحت این حادثه بزرگ را پذیرفته‌اند (نوفل، ۱۴۰۷: ۳۴). این مسئله نشان می‌دهد که این سوره همچنان برای مخاطب یهودی تهدیدآمیز است (جرجی، ۱۹۹۹: ۷۳).

نتیجه‌گیری

۱. نوعی از بیان در قرآن کریم وجود دارد که قابل تطبیق با عملیات روانی است و نتیجه شناخت کامل و دقیق از دشمن می‌باشد. قرآن زیرکانه از این روش بهره برده است و چون عملیات روانی در قرآن کریم مبتنی بر حقیقت و صداقت است، در طول تاریخ از قدرت آن کاسته نشده و همواره در مخاطب یهودی تأثیرگذار و تهدیدآفرین بوده است.

۲. نوعی از عملیات روانی در رویارویی با برخی رذایل اخلاقی مانند خودبزرگ‌بینی، ظلم، خودمحوری و... در قرآن کریم به کار رفته است. هرچند اسرائیلی‌های معاصر را با دلایل متقن تاریخی می‌توان چه از جهت اعتقادات و چه از جهت رفتار و کردار دنباله‌رو یهود معاصر پیامبر صلی الله علیه و آله دانست، این رویارویی با عملکرد ناپسند آنهاست و خداوند از این نوع خودبزرگ‌بینی و تکبر بیزار است. این اختصاصی به یهود معاصر پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد و می‌تواند همه یهودیان و مسلمانان خودمحور و خودبزرگ‌بین را شامل شود و مسلمانان در وهله نخست باید تلاش کنند تا این رذایل اخلاقی را از وجود خود پاک نمایند.

۳. برای فهم صحیح و کامل بسیاری از آیات که خطاب به اهل کتاب است لازم است به کتاب مقدس و پیشینه کاربرد آن الفاظ یا مفاهیم مراجعه نمود. این به معنای منبع بودن کتاب مقدس در فهم قرآن کریم نیست، بلکه کشف افق ذهنی مخاطبی است که این واژگان درباره وی نازل شده است و مفسر را به مفهوم دقیق واژگان نزدیک‌تر می‌کند. شایان ذکر است که بیشتر مفاهیم شناخته‌شده در نزد یهود در ساختاری جدید و طرحی نو به کار می‌رود که در هماهنگی کامل با ساختار اندیشه اسلامی است، مانند مفهوم حروف مقطعه، مباحله یا سریه که در ساختار جدید قرآنی،

نقش جدیدی را ایفا می‌کند. البته باید توجه داشت که گاه مفاهیم پویا هستند و تحول معنایی می‌تواند به شکل‌های گوناگون نسبت به مفهوم واژه در کتاب مقدس به کار رود.

۴. بررسی روش‌های تأثیرگذاری بر مخاطب یهود در قرآن کریم نشان می‌دهد که قرآن کریم از انواع عملیات روانی، علنی، سرّی و... بهره برده است و نیز روش‌هایی که ممکن است دانش عملیات روانی از آن بی‌خبر باشد.

کتاب‌شناسی

۱. کتاب مقدس.
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، بیروت، مطبعة الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن فوزان، الارشاد الی صحیح الاعتقاد، سعودی، دار ابن جوزی، ۱۴۲۰ ق.
۴. ابن فهد مکی، محمد، لحظ الاحاظ بیدیل طبقات الحفاظ، بی‌جا، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
۵. ابو عجور، محمد، اليهود اعداء الله و قتلہ الانبیاء، قاهره، دار الکلمة، ۲۰۱۰ م.
۶. احمد، ابراهیم خلیل، اسرائیل فتنة الاجیال، العصور القدیمة، بی‌جا، مکتبه الوعد العربی، ۱۹۶۹ م.
۷. ادیس، محمد جلاء، یهود الفلاشا، اصولهم و معتقداتهم و علاقتهم باسرائیل، قاهره، مکتبه بولی، ۱۹۹۳ م.
۸. ایاز، فرید، دراسات فی الاعلام الاسلامی و الحرب النفسیة، بغداد، دار الرشید، ۱۹۷۹ م.
۹. بازرگان، عبدالعلی، حروف مقطعة قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۱۰. بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث الاسلامی، ۱۴۲۳ ق.
۱۱. بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق.
۱۲. جبوری، جاسم محمد هذال، الحرب النفسیة المضادة للرسول فی دعوته الاسلامیة، بغداد، المکتبه الاسلامیة، ۱۴۳۰ ق.
۱۳. جرجی، فادی اسعد، خبر الاسراء و المعراج، بیروت، الجامعة الامریکیة فی بیروت، ۱۹۹۹ م.
۱۴. جنیدی، رضا، تکنیک‌های عملیات روانی، مشهد، به‌نشر، ۱۳۸۹ ش.
۱۵. حاج، ساسی سالم، نقد الخطاب الاستشراقی، بیروت، دار المدار الاسلامی، ۲۰۰۲ م.
۱۶. حسینی، بی‌بی زینب، «نبرد مخفی از منظر قرآن کریم با نگاهی به واژه سرتا»، مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲ ش.
۱۷. خالدی، عبدالفتاح، الشخصیة اليهودیة من خلال القرآن، دمشق، دار القلم، ۱۴۱۹ ق.
۱۸. خلیل، علی، اليهود بین النظریة و التطبيق، دمشق، اتحاد الکتب العربی، ۱۹۹۲ م.
۱۹. دوسری، عبدالرحمن، اليهود و الماسونیة، قاهره، دار السنه، ۱۹۹۴ م.
۲۰. ذکاوتی فراگزلو، علیرضا، اسباب النزول، تهران، نی، ۱۳۸۳ ق.
۲۱. سیواتوس، لوئیس، زیتون‌کاری، ترجمه کریم احسانی، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۷۸ ش.
۲۲. شامی، رشاد، موسوعة المصطلحات الدینیة اليهودیة، قاهره، المکتب المصری، ۲۰۰۲ م.
۲۳. شبیر، محمد عثمان، مخاطرات الوجود اليهودی علی الامة الاسلامیة، کویت، مکتبه المنار، ۱۴۱۰ م.
۲۴. شیرازی، محمد، جنگ روانی و تبلیغات، تهران، دبیرخانه همایش علمی بررسی نقش تبلیغات در جنگ، ۱۳۷۶ ش.
۲۵. صالح، محمد ادیب، اليهود فی القرآن و السنه، ریاض، دار الهدی، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. طاهر، علی نصوح، حروف آغازین در قرآن کریم، ترجمه نصرالله امامی، اهواز، جهاد دانشگاهی خوزستان، ۱۳۷۲ ش.
۲۷. طباره، عقیف عبدالفتاح، اليهود فی القرآن، بیروت، دار العلم للملین، ۱۹۶۶ م.
۲۸. طنطاوی، محمد، نبی اسرائیل فی القرآن و السنه، بیروت، دار الشروق، بی‌تا.
۲۹. عبدالنواب، رمضان، مباحثی در فقه اللغة و زبان‌شناسی عربی، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس، ۱۳۶۷ ش.

۳۰. عبدالرحمن، عایشه، *اعداء البشر*، مصر، المجلس الاعلى للشؤون الاسلاميه، ۱۹۶۸ م.
۳۱. عدل، سعد عبدالمطلب، *هيروكليف درقرآن*، ترجمه حامد صدقي، تهران، كوثر، ۱۳۸۸ ش.
۳۲. علی، جواد، *المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام*، بغداد، جامعة بغداد، ۱۴۱۳ ق.
۳۳. فيروزآبادي، محمد بن يعقوب، *القاموس المحيط*، بيروت، دار الجليل، بی تا.
۳۴. فيومي، احمد بن محمد، *المصباح المنير في غريب الشرح الكبير*، مصر، المطبعة الميمنية، ۱۳۱۳ ق.
۳۵. قاسمی، جواد، *راهبردهای قرآنی جنگ روانی*، اصفهان، اندیشه گویا، ۱۳۹۱ ش.
۳۶. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، اسلامي، ۱۳۶۸ ش.
۳۷. کرمانی، بهزاد، «معرفی اجمالی عرفان يهود»، *فصلنامه دين و سياست*، شماره ۱۵، ۱۳۸۷ ش.
۳۸. کمالی کلیمانی، محمدحسین، *عملیات ضد جنگ روانی*، تهران، صیاد شیرازی، ۱۳۸۸ ش.
۳۹. محمد عیسی، محمد محمد، «العقيدة اليهودية بين الوحي الالهی و الفكر البشري»، *مجلة الشريعة و الدراسات الاسلاميه*، امارات متحده عربی، جامعة الكويت، دورة ۲۲، شماره ۶۸، ۲۰۰۷ م.
۴۰. محمود زقوت، لافي محمد، *لغة الخطاب القرآنی فی بنی اسرائیل*، نابلس، جامعة النجاح الوطني، ۲۰۱۰ م.
۴۱. مزراحی، فیلیکس، *قاموس عبری - عبری*، بی تا، بی نا، بی تا.
۴۲. مسیری، عبدالوهاب، *من هو اليهود*، قاهره، دار الشروق، ۲۰۰۲ م.
۴۳. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲ ش.
۴۵. منصورنژاد، محمد، *جنگ روانی از منظر قرآنی*، تهران، جوان پویا، ۱۳۸۸ ش.
۴۶. نجار، فهمی، *الحرب النفسیه (اضواء اسلامیه)*، ریاض، دار الفضیله، ۱۴۲۶ ق.
۴۷. نصر، صلاح، *جنگ روانی*، تهران، سروش، ۱۳۸۱ ش.
۴۸. نوفل، احمد، *الحرب النفسیه*، عمان، دار الفرقان، ۱۴۰۷ ق.
۴۹. ولی وند، حسین و علی نیازی، *عملیات روانی*، تهران، آجا، ۱۳۹۱ ش.

50. Prideaum, Samuel, *Old Testament Scripture*, London, 1811.